

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: والرئ بورت – (Valery BURT) روزنامه‌نگار، مؤرخ، نویسنده  
برگردان: ا.م. شیری  
۱۹ دسمبر ۲۰۲۴

## اشغال روانیه



«سربازان انقلاب نارنجی» ۳۵ سال قبل، در دسمبر ۱۹۸۹ رومانیه را تصرف و رژیم نیکولای چائوشسکو را سرنگون کردند

[سقوط رومانیه، یک درس دیگر از تاریخ نزدیک برای خوش‌خیالان، برای همه آن‌هانی که هنگام نابودی لیبیا بی‌شرمانه به «مردم لیبیا»- ناتو، «پیام شادباش» فرستادند و ترور فجیع معمر قذافی به دست مأموران امنیتی فرانسه را «مرگ ذلت‌بار» خواندند و امروز نیز بدون درس‌آموزی از گذشت روزگار، تمام مرزهای شرم و حیا را درنور دیده، بی‌هیچ خجالتی، اشغال سوریه از سوی امریکا و اعوان و انصار تروریستش را به «ملت سوریه» تبریک گفتند...]

شیری

\*\*\*\*\*

او یک دیکتاتور کمونیست مطلق بود. او را به عمق رود دانوب، عاقل، منبع نور، نابغه کاریات‌ها می‌نامیدند. او به هر جمعی وارد می‌شد، شور و غلغله شادی فضا را پر می‌کرد. کشور پر بود از منتخب‌گفتارها، تصاویر و عکس‌های او. در تمام کتابفروشی‌های رومانیه آثار چائوشسکو – ۲۸ جلد مجموعه سخنرانی‌های او در سطوح مختلف یافت می‌شد. به نظر می‌رسید حکمرانی او سال‌های طولانی ادامه خواهد یافت. اما، حاکمیت او ۳۵ سال پیش – در دسمبر ۱۹۸۹ – ابتداء متزلزل گردید، و سپس در عرض چند روز سرنگون شد.

تا به حال، هیچ کس واقعاً نمی‌داند که چرا دولت چائوشسکو، که بی‌رقیب تلقی می‌شد، به سرعت سرنگون شد؟ هیچ پاسخی برای این سؤال وجود ندارد جز گمانه‌زنی‌ها، فرضیات و واقعیت‌های موجود. با وجود سقوط دولت‌های کمونیستی در سراسر اروپای شرقی در اواخر دهه ۱۹۸۰، صلح در رومانیه حاکم بود. اما ناگهان...

در ۱۶ دسامبر ۱۹۸۹، در شهر تیمیشوآرا در ترانسیلوانیا، کشیش پروتستان، لازلو تکس، هنگری تبار، از خانه ملت بیرون رانده شد. او از خودمختاری قومی مناطقی که ساکنانش عمدتاً هم‌تبارانش بودند، طرفداری می‌کرد. ناآرامی در تیمیشوآرا روی داد. این گزاره در رومانیه، که هر شهروند تحت نظارت کامل سرویس امنیتی و حفاظتی بود و همه از زندگی راضی بودند، غیرعادی به نظر می‌رسید. و سپس مردم یله شدند؛ زبانشان باز شد؛ شروع کردند به فریاد زدن و شعار دادن علیه خود چائوشسکو. تصورش دشوار است! شایعاتی مبنی بر این پخش شد که پولیس علیه معترضان به زور متوسل شده و تعدادی از ساکنان تیمیشوآرا کشته شده است [در واقع، ناتوی رسانه‌نی وارد میدان کارزار شد. م.]

در ۲۰ دسامبر، رهبر رومانیه یک جلسه طوفانی با نیروهای امنیتی برگزار نمود و در آن به نیروهای مسلح دستور داد تا به حالت آماده‌باش درآمده و «بدون هشدار به شورشیان شلیک کنند». او همچنین، فرمانی مبنی بر تشکیل واحدهای دفاع از خود متشکل از افراد وفادار به خود صادر کرد. شاید چائوشسکو دیگر متوجه شده بود که اوضاع در سمت تغییرات نامطلوب پیش می‌رود. اما فکر نمی‌کرد که کشور در آستانه یک انفجار سیاسی قرار گرفته است. رئیس جمهور تصمیم گرفت با مردمی که همیشه به صحبت‌های او علاقه‌مند بودند، صحبت کند. در تجمع ۲۱ دسامبر در میدان کاخ بخارست، همه چیز مثل همیشه بود - هزاران نفر، پرچم‌ها و تصاویر چائوشسکو را در دست داشتند، تکان می‌دادند. او از ایوان ساختمان حزب کمونیست رومانیه شروع به صحبت کرد و ناگهان صدای انفجار ترقه‌ها در میان جمعیت بلند شد. این یک علامت به جمعیت بود که سخنرانی «نابغه کارپات‌ها» را با فریاد زدن و سوت کشیدن خفه کردند. باور کردنی نبود!

ازدحام هر دم بیشتر و بیشتر می‌شد. چائوشسکو و همسرش النا با شنیدن فریادها به گوش‌های خود باور نمی‌کردند: «مرگ بر مستبد!»، «مرگ بر کمونیسم!» تظاهرکنندگان پرچم‌ها و عکس‌های زوج چائوشسکو را زیر پا انداختند. این زوج، حیرت‌زده بالکن را ترک کردند و درگیری بین تظاهرکنندگان و پولیس در میدان آغاز شد. صدای تیراندازی بلند شد...

این آخرین سخنرانی چائوشسکو بود. او نتوانست رومانیه را در میان آشوب رها کند. همه به او خیانت کردند، به ویژه کسانی که درست به چشمان او زل می‌زدند. چند روز بعد او و همسرش در یک پایگاه نظامی در **تترگویشته** تیرباران شدند. قبل از اعدام، «دادگاهی» تشکیل گردید، اما در واقع همه چیز از قبل معین شده بود.

چائوشسکو در زیر رگبار اتهامات محکم ایستاد. نیکولا و النا فهمیدند که چه سرنوشتی در انتظار آن‌هاست، اما به فکر تقاضای بخشش نیفتادند. چائوشسکو قبل از تیرباران سرود انترناسیونال خواند...

[فیلم دادگاه چائوشسکوها را لطفاً در اینترنت بجوئید. استفاده از موتور جست و جوی گوگل برای من دشوار شده است! دادگاهی بدون کیفرخواست، بدون کاغذ و قلم، سه‌چهار نفر یک ساعت و نیم سؤال- جواب توأم با تحقیر و توهین و تهدید، بدون مهلت فرجام‌خواهی و بلافاصله تیرباران! این آشکارترین و بی‌شرمانه‌ترین نوع تروریسم سفارشی بود که همه، به ویژه، «حقوق‌بشری‌ها» در مقابل این جنایت هولناک، کر و کور و لال شدند].

او با انجام «پرستروپیکا» [نوسازی] مانند اتحاد جماهیر شوروی مخالف بود و این را رسماً و علناً به میخائیل گوربچوف گفته بود. چائوشسکو نمی‌خواست از مسیر سوسیالیستی، همانطور که هنگری، چکسلواکی، پولند و سایر کشورهای اروپای شرقی منحرف شدند، منحرف شود. او با حرص و ولع به غرب نمی‌نگریست. از این رو، سیاست مستقل او برای رهبران غرب ناخوشایند بود.

چائوشسکو، مانند رهبر قبلی رومانیه، **گنورگی گنورگیو دژ**، با دیده احترام به ستالین می‌نگریست و تا حد زیادی از روش‌های رهبری او الگوبرداری می‌کرد. و خود چائوشسکو را «ستالین رومانی‌هائی» می‌نامیدند.

دموکرات‌های غربی از کارهای چائوشسکو بدشان می‌آمد. آن‌ها معمولاً از دست کسی که از کنترل خارج می‌شود و به سمت استقلال‌گرایی پیدا می‌کند، عصبانی می‌شوند. هر جا چنین اتفاق بیفتد، آن‌ها برای بازگرداندن «نظم» دست به کار می‌شوند. آن‌ها حتی در کشورهای خارجی مانند اربابان، متکبران و بی‌شرمانه عمل می‌کنند.

فشار بر رومانیه «سرکش» در حال تشدید بود. مسکو به بخارست پشت کرد و غرب از اعطای وام به رومانیه خودداری نمود. چائوشسکو تلاش کرد با کشورهای «باغی» - کوبا، جمهوری دموکراتیک خلق کوریا، آلبانی، ایران، لیبیا، نیکاراگوئه همکاری کند. این نیز برای متفران از چائوشسکو کاملاً ناخوشایند بود.

### **چائوشسکو به یک «مشکل» تبدیل شد و این مشکل باید به ترتیبی حل می‌شد...**

وقایع سال ۱۹۸۹ در رومانیه دقیقاً یادآور اتفاقاتی بود که ربع قرن بعد در سال ۲۰۱۴، در اوکراین افتاد. این یک «انقلاب نارنجی» معمول بود. هزاران نفر به عرصه‌های مختلف حیات رومانیه نفوذ کرده بودند. **این‌ها سربازان «انقلاب نارنجی»، آموزش‌دیده، مسلح و بسیار خوب سازماندهی شده بودند** و آشکارا طبق دستور عمل می‌کردند. اما مبتکر آن ناشناخته بود. ما نیز «نویسنده سناریوی فلم» را نمی‌شناسیم.

سربازان «انقلاب نارنجی»، تخم هرج و مرج پاشیدند و به سمت معترضان و پولیس تیراندازی کردند. همان «سربازان» در جریان سخنرانی چائوشسکو در میدان کاخ بخارست نافرمانی کردند. شایعات مبنی بر کشته شدن غیرنظامیان به دست پولیس در تیمیشوآرا نیز به واسطه سربازان «انقلاب نارنجی»، [یعنی ناتوی رسانه‌ئی] پخش شد.

پس از آن که دولت رومانیه سرنگون شد، سربازان ورزیده و عضلانی این کشور را ترک کردند. آن‌ها کسانی بودند که با کمک مخالفان بومی «از هم پاشیدگی خونین» را آغاز کردند. و همین اتفاق در سال ۲۰۱۴ در اوکراین افتاد.

رئیس میدان اوکراین، ویکتور یانوکویچ موفق شد به همراه نزدیکانش و رهتوشه قابل ملاحظه با یک هواپیمای مسافری از کشور خارج شود. نیکولای چائوشسکو نیز سعی کرد به همراه همسر و دو رفیق وفادارش با هلیکوپتر فرار کند. گمان می‌رود که او از مسکو درخواست پناهندگی کرده بود...

چرا چائوشسکو چنین عجولانه اعدام [ترور] شد؟ برای این که اطلاعات او بیش از حد زیاد بود. او می‌توانست کسی را که به او خیانت کرد، افشاء کند. [.. **جرمش این بود که اسرار هویدا می‌کرد**]. اگر یک دادگاه واقعی علیه او تشکیل می‌شد، احتمالاً می‌توانست با رد همه اتهامات، حتی محبوبیت بیشتری کسب کند.

**پی‌نوشت:** آنچه ۳۵ سال پیش در رومانیه روی داد، امروز در گرجستان تکرار می‌شود: همان «انقلاب نارنجی» کلاسیک، با همان روش. غرب هرگز هیچ کشوری را که بخواهد سیاست مستقل خود را دنبال کند، دوست نداشته و نخواهد داشت.

**پی‌نوشت مترجم:** آنچه ۳۵ سال پیش در رومانیه روی داد، طی سال‌های نود میلادی در تمام اروپای شرقی تا یوگسلاوی (بالکانیزه کردن)، در سال ۲۰۰۱ در افغانستان، در سال ۲۰۰۳ در عراق، در سال ۲۰۱۱ در لیبیا و چندی پیش در سوریه با همان روش تکرار شد و همه (فعلاً به استثنای سوریه) به سندروم «ستکهلم» دچار گردیده‌اند و با

خفت و خواری زیر چکمه‌های ناتو به فرماندهی امپراتوری امریکا لگنمال می‌شوند. کل اروپای شرقی، به ویژه، رومانیه به فاحشه‌خانه ناتوچی‌ها تبدیل شده است.

### مطالب مرتبط:

- پائیز خونین مجارستان

- بهار پراگ

- پاسخ به «پیام شادباش سازمان اکثریت به مردم لیبیا»، که به دلیل حفظ اعتبار و اهمیت خود، در واقع، پاسخ به «پیام حزب چپ به ملت سوریه» نیز محسوب می‌شود.

مأخوذ از: بنیاد فرهنگ ستراتیژیک به استثنای افزوده‌های مترجم از جمله، نکات داخل [...].

۲۸ آذر-قوس ۱۴۰۳